

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر آسیب‌های سختی را در پی اعمال فشار حداکثری ترامپ دیده است اما به اعتقاد بسیاری از کارشناسان مشکلاتی که امروز مردم با آن دست به گریبان هستند، ریشه در ناکارآمدی سیستم مدیریت کشور دارند و سهم تحریم‌ها در بروز این چالش‌ها به مراتب کمتر از سوءمدیریت داخلی است. تقریبا همه تحلیلگران بر این نکته متفق‌القول هستند که اگر ما در ساختار مدیریتی اقتصاد

علی‌سعدوندی - اقتصاددان:

● به نظر شما، با توجه به روند نزولی قیمت‌ها در بازار ارز، آیا نرخ کنونی دلار واقعی است؟
بارها تاکید کرده‌ام که نرخ واقعی ارز بین ۱۸ تا ۲۲ هزار تومان است، درحال‌حاضر هم که قیمت‌ها ریزش داشته بازم معتقدم این نرخ بیشتر از نرخ تعادلی دلار است. حالا در این شرایط اگر صادرکنندگان و واردکنندگان و سایر فعالان اقتصادی به این نتیجه برسند که قیمت‌ها بیشتر از نرخ واقعی است، دچار بیماری هلندی می‌شویم. هرچند معتقدم بیش از ۵۰ سال است ما درگیر این بیماری هستیم و اگر این روند کاهشی قیمت‌ها ادامه داشته باشد کمی از پیامدهای بیماری هلندی جبران خواهد شد و اگر این اتفاق رخ دهد، مصائب و مشکلات اقتصادی کشور بسیار کمتر خواهد شد.

● آیا این روند کاهشی ادامه خواهد داشت؟
من در کوتاه‌مدت تداوم روند کاهشی نرخ ارز را نمی‌بینم، دلایل مختلفی مانند گسترش شیوع کرونا و همچنین تحریم‌ها، فعلا امکان وقوع چنین اتفاقی را بسیار کاهش داده‌است. تا وقتی هم که این محدودیت‌ها پابرجاست نرخ ارز افت چشمگیری نخواهد داشت. به‌عبارتی برداشت من این نیست که کوتاه‌مدت نرخ دلار از ۱۸هزار تومان به ۱۸ هزار تومان برسد، هرچند نرخ ۱۸هزار تومان هم کف نرخ تعادلی در بلندمدت است؛ بنابراین شرایط خیلی خاصی ایجاد نشده، البته بازار بورس واکنش خیلی شدیدی به کاهش نرخ ارز نشان داده است.

● بانک مرکزی در این وضعیت چه اقدامی را باید انجام دهد؟

اگر جای بانک مرکزی بودم، ریزش قیمتی ارز را کنترل می‌کردم و محدودیت‌های سنگینی که بر تجارت خارجی گذاشته شده نیز باید کمتر شود. البته دو هفته قبل، اتفاق مثبتی رخ داد و اجازه داده شد بخش زیادی از کالاهای وارداتی دپوشده در گمرکات ترخیص شود. از سویی، سیاست‌های ارزی کشور در واکنش به تحریم‌ها بسیار مخرب بوده است. رفتار

کشورمان اصلاحات ساختاری را رقم نزنیم هیچ اتفاق مثبتی در دوران ریاست جمهوری جو بایدن برای ایران نخواهد افتاد. کارشناسان اقتصاد بر این باورند که در گام نخست مسئولان باید تلاش کنند اعتماد از بین رفته را به نحوی جلب کنند در غیر این صورت، شکافی که بین مردم و مقامات ایجاد شده روز به روز عمیق‌تر خواهد شد و حتی اگر اقدامات مثبتی هم انجام شود به‌دلیل وجود این فضای بی‌اعتمادی، راه به جایی نخواهد برد.

بانک مرکزی مانند فردی است که تهدید به مرگ شده اما خودش اسلحه را برداشته و به شقیقه‌اش شلیک کرده است. به‌عبارتی می‌توان گفت ما در برابر تحریم‌ها خودکشی کرده‌ایم، این در حالی است که تحریم‌ها می‌توانست در میان‌مدت آثار مثبتی هم داشته باشد، چراکه می‌شد وضعیت تولید برخی از کالاها را بهبود بخشید اما متأسفانه هیچ‌یک از این اتفاقات رخ نداد. **● بانک مرکزی همچنان مدعی است روزانه ۵۰میلیون دلار به بازار ارز تزریق می‌کند تا قیمت‌ها تثبیت شوند. این در حالی است که نرخ ارز نیمایی از نرخ آزاد ارز هم بالاتر است. این تناقضات رفتاری را چطور می‌بینید و آیا با تزریق ارز به بازار موافق هستید؟**

قبیلا با تزریق ارز به بازار موافق بودند اما در حال حاضر مخالف هستیم. ما از اول نباید اجازه می‌دادیم نرخ دلار مرز ۲۰ هزار تومان را رد کند و احتمالا به‌دلیل دسترسی نداشتن به منابع ارزی نتوانستند این کار را انجام دهند.

این در حالی است که بارها گفته شد ما هیچ‌گاه به این میزان از اسکناس (دلار) دسترسی نداشته‌ایم و این حجم از منابع ارزی بی‌سابقه است، اما با توجه به اتفاقاتی که رخ داد، می‌توان گفت برخی اظهارات بیشتر یک بلوف بوده و اگر این ادعاها حقیقت داشت نباید نرخ ارز تا ۳۳هزار تومان افزایش می‌یافت! اکنون هم که بازار خودبه‌خود روند ریزشی را در پیش گرفته بانک مرکزی هم می‌گوید که به این روند کمک خواهد کرد.

● آیا این سیاست درست است؟

آنچه دولت و بانک مرکزی در این حوزه به اجرا می‌گذارند، دقیقا عکس آن چیزی است که در جهان انجام می‌شود.

یعنی در سایر کشورها سیاست‌های ضدچرخه‌ای در پیش گرفته می‌شود اما در ایران سیاست‌های چرخه‌ای اتخاذ می‌شود. هر زمانی که اقتصاد در مسیر سرازیری قرار می‌گیرد، مسئولان ادعا می‌کنند این اتفاق نتیجه انتخاب درست سیاست‌های اقتصادی ازسوی ما بوده

کمی تأمل کنید

است. در حالی که پایین آمدن نرخ دلار به‌دلیل اثر روانی انتخابات امریکا بوده و البته فروش ارز و طلایی که مردم در خانه‌ها دارند نیز این روند را تشدید کرده است، بنابراین کاهش نرخ ارز هیچ ربطی به سیاست‌های آقایان ندارد. حالا بانک مرکزی می‌خواهد این فضا را تهییج کند اما

من هیچ منفعتی در این اقدام نمی‌بینم. برداشت من این است که اگر کمی تلاطمات مدیریت شود، بیشتر به نفع اقتصاد خواهد بود تا اینکه چنین اقداماتی انجام دهند. اکنون مقامات باید پاسخگوی عملکرد خود باشند که واردات را محدود کردند و به انحصارات دامن زدند که مثلا فرار سرمایه اتفاق نیفتد در حالی‌که این یک مسئله تخیلی و موهوم بود. از سویی هم برخی از ایرانی‌ها ارز خود را در کشور ترکیه به ملک تبدیل می‌کردند اما با وجود محدودیت‌های اعمال‌شده هم دیدیم فرار سرمایه تا جایی ادامه پیدا کرد که ایرانیان به رتبه اول خریداران مسکن و آپارتمان در ترکیه تبدیل شدند. بنابراین ادعاهایی مانند جلوگیری از فرار سرمایه با اعمال سیاست‌هایی مانند ارزپاشی در تناقض کامل است، از سویی هم مطمئن نیستم که اصلا ما این حجم از دلار را داشته باشیم که بانک مرکزی بتواند به بازار تزریق کند.

● بسیاری از افرادی که از و طلا ذخیره کرده بودند در روزهای گذشته اقدام به فروش کرده‌اند به نظر شما، این نقدینگی سرگردان به کدام سمت خواهد رفت؟

وقتی نقدینگی افزایش می‌یابد باید منتظر جذب آن به سمت بازارهای طلا، ارز یا بازار سرمایه باشیم، البته در این شرایط، فکر نمی‌کنم این نقدینگی به سوی بازار مسکن برود (به‌دلیل گرانی مسکن).

یابد به این نکته هم اشاره کنم که اگر دولت درست عمل می‌کرد این ثروت‌زدایی‌ها انجام نمی‌شد. در ۷ سال گذشته بحسب اصول در اقتصاد ازسوی دولت اعمال شده است. محوریت این اصول نیز بر حفظ منافع کوتاه‌مدت امنیتی و سیاسی دولت استوار است.

به‌عبارتی اگر بخواهیم در یک کلمه سیاست دولت را توصیف کنیم، واژه «ثروت‌سوزی» بهترین انتخاب است. این در حالی است که اسم سال ما جهش تولید است اما دقیقا سیاست‌هایی که اعمال می‌شود برخلاف تقویت بخش تولید است.

شما کارمندی را تصور کنید که تمام زندگی‌اش را تبدیل به دلار یا طلا کرده اما در اغلب حوزه‌ها این ثروت‌سوزی‌ها باعث‌شده سرمایه‌های این کارمند به کلی از بین برود. جالب اینجاست که سیاست‌های ثروت‌سوزی دولت هیچ تاثیری بر کاهش یا سوخت

در مرحله «جان آخر» هستیم!

تغییر کند در غیر این‌صورت همین وضعیت ادامه خواهد داشت.

اما حوزه دوم که باید مورد توجه قرار گیرد سیاست‌گذاری‌های خارجی کشور است. من معتقدم ادبیات اقتصاد سیاسی‌مان باید تغییر کند. در طول سالیان گذشته همواره اقتصاد

ابزاری بوده برای سیاست ما! یعنی همیشه اقتصاد به سیاست سرویس داده و در تمام مقاطع نیز تخریب شده است. در صورتی که اتفاقا باید عکس این عمل کنیم یعنی سیاست باید به اقتصاد سرویس بدهد.

به عبارتی باید هر سیاستمداری که پشت میز مذاکره می‌نشیند اول به این مسئله فکر کند که نباید جمله‌ای از دهانش خارج شود که بر خلاف منافع اقتصادی کشور باشد. اینجا باید توجه‌تان را به قدرت‌های اقتصادی جهان جلب کنم. تقریبا تمامی کشورهای مهم جهان با یکدیگر جنگ تجاری دارند. برای مثال روسیه با امریکا، چین با امریکا، اتحادیه اروپا با امریکا و چین با اتحادیه اروپا همواره با یکدیگر در جنگ تجاری هستند اما هیچ‌گاه اجازه نمی‌دهند این کشمکش‌های سیاسی ضربه‌ای به روابط اقتصادی آنها بزند و هیچ‌وقت پشت‌شان را به یکدیگر نمی‌کنند، چون در این صورت راهی برای بازگشت نخواهد ماند و آنها نمی‌خواهند اقتصاد را فدای سیاست کنند.

● این نگاه در بین مسئولان چندان طرفداری ندارد.

بله متأسفانه خیلی از دوستان فکر می‌کنند که مذاکره یعنی وابستگی به خارج و دادن همه امتیازات، یک عده دیگری هم فکر می‌کنند که از اساس باید منفک از جهان باشیم، این گروه استقلال را به معنای جزیره‌ای زندگی کردن می‌دانند. اما در ادبیات اقتصاد سیاسی جهان این مسئله جا افتاده که کشورها می‌توانند در عین داشتن مشکلات با یکدیگر مذاکره کنند و امتیازاتی به طرف مقابل بدهند و امتیازاتی بگیرند.

ما باید زاویه دیدمان را نسبت به مسائل تغییر دهیم. باید با اصلاح رویکرد در دو زمینه سیاست‌گذاری داخلی و ادبیات اقتصادی بین‌المللی‌مان در مسیر پیشرفت قرار بگیریم.

● این شرایط باعث‌شده بخش بزرگی از مردم نسبت به عملکرد و اظهارات برخی مقامات بی‌اعتماد شوند. به نظر شما نتیجه این واکنش اجتماعی در حوزه اقتصاد کشور چه خواهد بود؟

نقدینگی هم نگذاشته و این مولفه همچنان تشدید می‌شود، به‌عبارتی ثروت از بین می‌رود اما نقدینگی سر جای خود مانده است. ادامه این روند می‌تواند بسیار مضر باشد.

کسی که سکان هدایت اقتصاد کشور را به‌دستی می‌گیرد باید دلسوز مردم باشد، نه اینکه دلخوش به پیروزی کوتاه‌مدت ارزی حاصل از انتخابات ایالات متحده باشند و پس از مدتی بار دیگر دلار به بالای ۳۰هزار تومان بازگردد.

● با توجه به این وضعیت شما به افرادی که دلار و طلا در خانه دارند، چه توصیه‌ای می‌کنید؟
توصیه می‌کنم در مواقعی که عواطف و احساسات بر فضای منطقی غلبه می‌کند، دست از خرید و فروش بردارند. در حال حاضر، نگرانی بسیاری از مردم این است که اگر تحریم‌ها برداشته شود، اینها ضرر کنند، این نگرانی تا ۲ هفته دیگر هم ادامه خواهد داشت اما در نهایت فضا آرام می‌شود. به هر حال توصیه می‌کنم فعلا صبر کنند و بعد از فروکش کردن احساسات تصمیم بگیرند.

● شرایط بازار سهام را چطور ارزیابی می‌کنید؟
من برای ارزیابی وضعیت بازار فیلترهایی دارم که با استفاده از آنها می‌توان میزان ارزندگی سهام شرکت‌ها را سنجید.

درحال‌حاضر اگر شرکت‌های بورسی را با استفاده از این فیلترها مورد سنجش قرار دهیم خواهیم دید که حدود نیمی از سهام‌ها با ارزان‌تر از نرخ واقعی خود عرضه می‌شوند یا به نرخ هستند.

اما متأسفانه مانند اول سال که هرچه گفتم این فضای هیجانی ثروت‌سوزی را در پی دارد و هیچ‌کس نشنید، الان هم می‌گویم که بسیاری از این سهم‌ها در موقعیت خوبی قرار دارند و می‌توان برای خرید اقدام کرد اما متأسفانه باز هم اغلب افراد نمی‌شنوند و با تاثیرپذیری از این فضای هیجانی در صف‌های فروش سهام ایستاده‌اند. البته سهامداران دقت داشته باشند که ادعا نمی‌کنم سهم‌ها را در شرایط خوبی قرار دارند، بلکه می‌گویم ۷۰۰شرکت در بورس حضور دارند که ۵۰ مورد از آنها با ارزان هستند یا به نرخ عرضه می‌شوند.

اما ۶۵۰هنامد همچنان گران هستند، اما این نکته هم باید مورد توجه باشد که این ۶۵۰ مورد اغلب شرکت‌های کوچک هستند و ۵۰ نصاد ارزان در دسته شرکت‌های بزرگ قرار می‌گیرند. اما متأسفانه سهامداران همه این سهم‌ها را برای فروش گذاشته‌اند و روند احساسی را در پیش گرفته‌اند. به این عزیزان هم توصیه می‌کنم سهام خود را فعلا فروشنده و کمی تامل کنند تا شرایط کمی منطقی‌تر شود، سپس تصمیم بگیرند.



متأسفانه در سالیان اخیر همواره از این اعتماد و ابروی سمت و جایگاه‌ها هزینه زیادی کرده‌ایم، به این دلیل می‌گویم سمت که افراد می‌آیند و می‌روند و متأسفانه اعتماد مردم به آن سمت‌ها از بین می‌رود. اگر بخواهم از بحث دور نشوم باید توجهات را به بازارهای پولی جلب کنم. اگر خاطراتان باشد در زمان ریاست آقای سیف بر بانک مرکزی، ماجرای سکه‌های ثبت‌نامی پیش آمد. اول گفته شد که ثبت‌نام نامحدود است و هر کس هر مقدار بخواهد می‌تواند ثبت‌نام کند اما بعد زمره‌مهایی پیرامون مسئله اخذ مالیات بر عایدی سرمایه شنیده شد. در دوره‌ای هم آقای جهانگیری صحبت از دلار ۴۲۰۰تومانی کردند و گفتند که به اندازه کافی دلار وجود دارد و به هر فردی که نیاز داشته باشد، دلار با قیمت دولتی می‌دهیم اما بعد از مدت کوتاهی دیدیم که این اتفاق نیفتاد و انحصاراتی هم در این زمینه ایجاد شد.

● آیا این مسئله به دولت کنونی محدود می‌شود؟

به هیچ وجه! من تمرکز بر چند سال گذشته بود وگرنه مجلس، دولت‌های قبلی و سایر مسئولان هم این رویه را در پیش گرفتند و باعث تشدید بی‌اعتمادی بین مردم شدند. این اتفاق باعث‌شده گاهی مردم ما تحولات سایر کشورها را در فعل و انفعالات داخل کشور دخیل بدانند.

اما به‌تازگی در پی داغ شدن بحث بازار بورس با پدیده‌ای مواجه شده‌ایم که مسئولان تاکنون با آن آشنا نبوده‌اند.

آن هم کشف شاخص بورس بوده است، این شاخص هر روز صبح شرایط بازار و اظهارات مسئولان اقتصادی ما را می‌سنجد و در قالب عدد و رقم در بازار سهام به مردم نشان می‌دهد. این پدیده باعث شد خیلی از مقامات حرف‌هایی را که قبلا به‌راحتی می‌زدند به‌دلیل درک تاثیرگذاری آنی بر بازار به‌راحتی عنوان نکنند.

یکی از دوستان می‌گفت که ما باید شاخص بورس را بر سر در وزارتخانه‌ها و ادارات بزنیم تا مسئولان نتیجه اظهارات خود را ببینند. از همین رو معتقدم اگر فکری به حال سیاست‌گذاری‌های کلان کشور نکنیم، این آخرین فرصت را هم از دست خواهیم داد و شرایط بسیار سخت‌تر از قبل خواهد شد. من امیدوارم سیاست‌گذاران کشور این شرایط را درک کنند و از فرصت پیش آمده نهایت استفاده را ببرند.

اقتصاد

موضع وال استریت در انتخابات امریکا

رابین ویگلزورث

روزنامه‌نگار بازارهای مالی

شگفت‌زدگی، صبوری و بازخوانی سناریوهای گوناگون از جمله واکنش‌هایی بود که در یکی، دو هفته گذشته سهامداران و مدیران صندوق‌های سرمایه‌گذاری در امریکا از خود نشان دادند و تاکنون از هرگونه واکنش احساسی نسبت به نتایج انتخابات تاریخی این کشور برهیزم کرده‌اند. سرمایه‌گذاران از روز ۴نوامبر در بازارهای جهانی با اطمینان از پیروزی جو بایدن، رقیب دموکرات دونالد ترامپ شروع به معامله کرده و با خوشبینی کار خود را از سر گرفتند. البته از روزهای قبل از انتخابات هم احتمال پیروزی «موج آبی» افزایش یافته بود و بسیاری از بنگاه‌های شرط‌بندی هم دموکرات‌ها را پیروز نهایی بزرگ‌ترین رقابت سیاسی جهان دانسته بودند. البته با توجه به پیش‌بینی‌ها، باید جو بایدن با کسب یک پیروزی آسان در ایالت فلوریدا در همان روز نخست شمارش آرا از ترامپ را یکسره می‌کرد اما این اتفاق رخ نداد و ماراتن سیاسی امریکایی‌ها تا یک هفته پس از پایان انتخابات هم ادامه داشت تا اینکه در نهایت دیوار سبز شمالی در ایالات متحده کار را تمام کرد. بایدن توانست با کسب آرای اکثرال کالج ایالت‌های مهمی مانند پنسیلوانیا، میشیگان، ویسکانسین و حتی جورجیا کار را به نفع حزب دموکرات پایان دهد. هرچند ترامپ تا به این لحظه، به‌طور رسمی نتیجه این انتخابات را نپذیرفته اما به نظر می‌رسد بازارهای جهانی متقاعد شده‌اند که کار ریاست جمهوری کنونی ایالات متحده تمام شده و مستاجر جدید کاخ سفید از ۲۰ژانویه ۲۰۲۱ در این عمارت مستقر خواهد شد. البته تنها

در مواقعی که عواطف و احساسات بر فضای منطقی غلبه می‌کند، دست از خرید و فروش بردارید

امیدوارم سیاست‌گذاران کشور شرایط را درک‌کنند و از فرصت پیش‌آمده نهایت استفاده را ببرند